



کارگران جهان متحد شوید!

شماره ۴۸-۲۰ بهمن ۱۳۸۵



سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

روزنامه اسپانیولی «جهان» و آقای احمدی نژاد!

«جهان» روز نامه ظاهرا بی طرف و در عین حال ظاهرا چپ گرای اسپانیا در مصاحبه فرمایشی و اختصاصی خود با احمدی نژاد در شماره ۶۲۴۰ چهارشنبه هفدهم «انه رو» اینطور خود را به مضحکه کشیده و از قول احمدی نژاد مینویسد:

احمدی نژاد: نه اسرائیل و نه اربابانش جرعت حمله به ایران را نخواهند داشت.

اگر هولو کاوسترو وجود داشت برای چه اطلاعاتی در مورد آن وجود ندارد؟

احمدی نژاد در یک مصاحبه اختصاصی با روز نامه ال موندو «جهان» اطمینان می دهد که وی هیچ ترسی از یک حمله اتمی اسرائیل ندارد و میفرماید «اسرائیل هیچ گاه جرات حمله به ایران را نخواهد داشت». احمدی نژاد کسی که از نظر وی «هولو کاوستو» باعث ایجاد رژیم صهیونیسم شده است.

ادامه در صفحه ۳

امید به نجات جان شمامه (ملک) قربانی محکوم به سنگسار

[۲۱ na ۷۰۰۲] [سهیلا وحدتی] [حقوق بشر]
گفتگو با محمد مصطفایی (وکیل شمامه قربانی)

وحدتی: آقای مصطفایی، ابتدا خواهش می کنم در مورد شخص شمامه (ملک) قربانی توضیح دهید.

مصطفایی: شمامه ۳۵ سال سن دارد، سواد خواندن و نوشتن ندارد و اهل نقده می باشد. او مادر یک دختر و پسر خردسال است که در حال حاضر در روستایی در اطراف ارومیه با پدر شمامه زندگی می کنند. او زنی ساده و آرام و ترسو بوده که به راحتی تحت تاثیر تهدیدهای اطرافیان قرار می گیرد.

وحدتی: لطفا در باره وضعیت پرونده ایشان پس از آخرین جلسه دادگاه توضیح دهید.

مصطفایی: شمامه چند هفته ای بوده که با یک مرد جوان به نام مراد آشنا می شود که همسایه ایشان بوده است. مراد گویا چون متوجه شده بود که همسر شمامه بسیاری از وقتها به خصوص شبها به خانه نمی رود، به اجبار و تهدید با شمامه ارتباط برقرار می کند. در شب حادثه مراد پیش شمامه بوده و از طرفی برادر شمامه احساس می کند که ممکن است مراد در منزل باشد.

ادامه در صفحه ۲

شوراهای اسلامی، شکل های ضد کارگری و متحد دولت و کارفرماها هستند نه نماینده کارگران

در خبرها آمده است که: آقای فضل اله مظاهری راننده شرکت واحد به جرم شرکت در تحصن ها، تظاهرات و اعتصاب و.. به اخراج از شرکت واحد محکوم شده است. البته این حکم، نه بوسیله دادگاه های اسلامی که گویا زیاد از حد مشغول سرو سامان دادن به پرونده های امنیتی جامعه النبی بودند، بلکه بوسیله کمیته ای متشکل از نماینده کارفرما، شورای اسلامی کار و دولت صادر شده است. این محاکمه چه بوسیله دادگاه های فرمایشی صورت میگرفت و چه اکنون بوسیله کمیته ضد کارگری متشکل از نمایندگان دولت، مدیریت و شورای اسلامی، اما در نتیجه کار چنان توفیری حاصل نمیشد، چون بقول معروف سگ زرد برادر شغال است.

در این کمیته نماینده شورا ظاهرا بعنوان نماینده خود خوانده کارگران شرکت میکند. اما کیست که نداند که اینها نه نماینده کارگران بلکه دنبالچه های دولت و کارفرماها در مراکز کارگری هستند و وظیفه ای جز خدمت به این دم و دستگاه جور و ستم و استثمار ندارند. نقش شورای اسلامی ضد کارگری شرکت واحد در جریان تاسیس سندیکای این شرکت علیه کارگران مبارز آن نظیر منصور اسانلو برکسی پوشیده نیست، نقش ضد کارگری و ضد انسانی آنها در حمله به تجمع فعالین سندیکا، چماق کشی بر علیه رهبران سندیکای شرکت واحد و شرکت در اعمال سرکوب گرانه مدیریت و دستگاه های اطلاعاتی بر علیه کارگران و خانواده آنها از جمله پرونده سیاه فعالین این شوراهای زرد و ضد کارگری را تشکیل میدهند. بنا براین شرکت در کمیته نمایندگان دولت و مدیریت و تصمیم به اخراج کارگر مبارز فضل اله مظاهری توسط این عوامل تعجب برانگیز نیست.

اتحاد تشکل های ضد کارگری دست ساز رژیم، نظیر شوراهای اسلامی کار با نمایندگان کارفرماها و دولت در اخراج و سرکوب مبارزات کارگران امری نیست که امروز برای اولین بار اتفاق افتاده باشد. این ارگانهای ضد کارگری اساسا برزمینه سرکوب تشکل های مستقل کارگری از جمله شوراهای واقعی کارگران ایران در سالهای اولیه بعد از قیام بنا شدند. آدمهائی که در این باصطلاح شوراها نشسته اند نه نماینده کارگران بلکه افراد و عناصر اطلاعاتی و یا وابسته به جناح های مختلف درون رژیم هستند که هر از گاهی با دادن فراخوانی و سردادن شعارهائی در ظاهر به نفع کارگران، میخواهند چنین وانمود کنند که دارند از منافع کارگران دفاع میکنند. وگرنه وظیفه اصلی آنها خبر چینی در درون کارخانه ها، شناسائی کارگران مبارز و پیشرو، عامل فشار دولت و کارفرماها به کارگران، تشویق تولید (بخوان فشار به کارگران برای تولید بیشتر) جلوگیری از شکل گیری اعتصابات و اعتراضات کارگری و در صورت شکل گرفتن این اعتصابات، تلاش برای انحراف مسیر آن و به سازش کشاندن کارگران و یا مثل

ادامه در صفحه ۲

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

→ مورد اخیر کمک به اخراج کارگران مبارز و ده ها عمل ضد کارگری و صد انسانی دیگر در محیط های کارگری هستند. اخیرا نیز با توجه به شکل گیری اعتراضات وسیع کارگری نسبت به لایحه تغییر قانون کار، این شورا ها مدعی شدند که در مخالفت با تغییر قانون کار حامی کارگران هستند!! اما بعد معلوم شد اعتراضات تشکل های دست ساز رژیم تنها مربوط به تجدید نظر در بند هائی است که در برخی موارد قدرت و یکه تازی آنها را به نفع مدیران تضعیف میکرد و به محض توافق ضمنی با خواست هایشان کتاب باصطلاح اعتراض خود را بستند و دنبال کارشان رفتند. با پذیرش این واقعیت ها راه چاره در مقابل تعرض دولت و سرمایه داران به حقوق و

معیشت کارگران و اخراج و سرکوب بی رحمانه کارگران پیشرو و رهبران عملی جنبش کارگری جز از طریق مبارزه ای متحد و متشکل امکان پذیر نیست. برای به کرسی نشاندن هر خواستی ولو کوچک نیاز به حرکتی متحد و متشکل است تا چه رسد به اینکه کارگران در این موقعیت حساس بخواهند بعنوان یک جنبش اجتماعی و طبقاتی در برابر تحولات آتی ظاهر شده و سکای مبارزات سیاسی اجتماعی و اقتصادی توده های مردم را بدست گیرند.
متن حکم اخراج:
آقای: فضل اله مظاهری شماره کارگزینی: ۲۵۲۸۱ شغل: راننده شاغل در: شرکت واحدتخلیفات نامبرده:
کارشکنی، شایعه پراکنی، شرکت در تحصن

ها، تظاهرات و اعتصاب غیرقانونی، اعمال فشارهای گروهی و فردی برای تحصیل مقاصد یا به دست آوردن امتیازات غیرقانونی، تشویق و تحریک کارگران و همکاران به کم کاری و ترک کار و اخلال در نظم کارگاه.
که پس از بررسی تخلف فوق در حد موضوع بند ۸، ۹، ۱۴ ماده ۱۹ آئین نامه انضباط کار شرکت واحد اتوبوسرانی محررات است.
لذا نامبرده به استناد بند ب و ج ذیل ماده ۱۹ و بند ۱۶ آئین نامه انضباط کار و رعایت و لحاظ ماده ۲۷ قانون کار به اخراج از شرکت واحد تهران و حومه محکوم میگردد.
حکم اخراج توسط «نمایندگان کارفرما»، «نمایندگان شورای اسلامی کار» و «نماینده سرپرست کارگاه» مهر و امضا شده است.

امید به نجات جان شمامه (ملک) قربانی محکوم به سنگسار

برادر شمامه که تعادل روحی مناسبی نداشته و خود را نمی تواند کنترل کند، به طرف محل کار همسر شمامه رفته و او را با خود به منزل می برد.

آنها از قبل چاقویی آماده کرده و همراه خود داشتند. پس از آنکه به منزل می رسند و درب را باز می کنند، مراد را می بینند در این حین مراد فرار کرده و به طرف پشت بام می رود. آن دو نفر مراد را تعقیب می کنند و مراد به سمت پشت بام رفته آنها مراد را محاصره کرده و با ضربات مکرر چاقو او را به قتل می رسانند. سپس به شمامه حمله کرده و او را بشدت مضروب می کنند. به این ترتیب، شمامه در خرداد ماه سال ۱۳۸۴ در بیمارستان بستری شد و در اواخر پاییز بازداشت و روانه زندان شد. شمامه زنی بی سواد و ساده است که اصلا به فکر داشتن رابطه جنسی نبوده است، ولی اقرار کرده که مرتکب زنا با مراد شده و این اقرار به خاطر نجات جان همسر و برادرش از قصاص (اعدام) بود چون آنها مرتکب قتل عمد شده بودند. ما در قانون مجازات اسلامی ماده ای داریم که مقرر می کند که هر گاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در چنین صورتی رافع مسئولیت کیفری است چون زن را مهدور الدم می داند.

در پرونده قتل مراد، تنها راه نجات همسر و برادر شمامه، اقرار این زن به ارتباط نامشروع در حد زناست. تمامی اقراریه گرفته شده بدون

قصص و با تهدید برادر شمامه بوده برادر شمامه بارها به وی گفته است که اگر اقرار نکند، وی از زندان که خارج شود و شمامه را می کشد.

برادر شمامه تعادل روحی ندارد و به نظر من تمامی این اتفاقات از فقدان اراده برادر و کنترل اعصاب او نشأت گرفته است.

در پرونده دلایلی وجود دارد که نشان می دهد اقرار شمامه واقعیت نداشته است از جمله اینکه مراد در زمانی که ضربات چاقو را در بدنش احساس می کرد ملبس به پیراهن و شلوار بود و حتی کمر بند شلوارش بسته بود. هیچ کس نمی تواند در زمان کوتاهی به سرعت دکمه های پیراهن خود را بسته و کمر بند شلوارش را نیز محکم کند.

این پرونده نکته مبهمی داشت که من در جلسه دادرسی روشن کردم و آن انگیزه شمامه از اقرار به زنا بوده است که نجات جان برادر و همسرش از قصاص و اعدام است.

وحدانی: لطفا توضیح دهید که شما چگونه از پرونده ایشان آگاهی یافتید و از چه زمانی وکالت ایشان را به عهده گرفتید؟ آیا ایشان پیشتر وکیل تسخیری داشته است؟

مصطفایی

ما در ایران گروهی از وکلا هستیم که بطور داوطلبانه به متهمین زن که در وضعیت بحرانی قرار دارند کمک می کنیم و وکالت آنها را می پذیریم. اسم این گروه «شبکه وکلای داوطلب» است و من از طریق این شبکه با پرونده ایشان آشنا شدم. من با خانم الهام فهیمی که ایشان نیز از اعضای شبکه وکلای داوطلب است، وکالت ایشان را پذیرفتیم. در آن هنگام پرونده شمامه به همراه رای دادگاه اولیه مبنی بر حکم سنگسار به دیوانعالی کشور ارجاع شده بود. در مورد وکیل مدافع اولیه شمامه باید بگویم

که بعد از سومین جلسه رسیدگی به پرونده از طرف دادگاه برای شمامه وکیل تسخیری انتخاب شد که این موضوع نیز یکی از ایرادهای ماست. چرا که طبق قانون در جرایمی که مجازات جرمی سنگسار است برای متهم باید وکیل تسخیری انتخاب نمود.

البته این نکته را نیز اضافه کنم که برادر شمامه برای اینکه خیالش از جانب خواهرش در مورد اقرار به زنا راحت شود، برای او وکیل گرفت. ولی چون در جلسه رسیدگی ما حضور داشتیم و شمامه به ما اعتماد کرد، آن وکیل مجبور به استعفا شد.

البته این مطلب قابل توجه است که در ایران علیرغم اینکه سنگسار وجود دارد ولی بسیاری از محاکم ما مسامحه به خرج داده و ایراداتی را در جهت نجات متهم وارد می کنند. پرونده شمامه دارای شبهات زیادی است و حتی در دادنامه دیوانعالی کشور آمده چون رجم از حدود الهی است، نباید شبهه ای باشد. دیوانعالی کشور با توجه به این شبهه ها رای دادگاه را نقض کرده و پرونده را برای تکمیل و رفع نواقص موجود در پرونده به همان دادگاه نخستین فرستاد.

وحدانی: لطفا در مورد این شبهه هایی که در پرونده شمامه وجود دارد توضیح دهید.

مصطفایی: شمامه یکبار در جلسات رسیدگی گفته که من اکراه شدم. وجود اکراه شبهه آور بوده و باید دادگاه به این موضوع توجه می کرده است. اقرار در امور کیفری به تنهایی دلیل نیست و در کنار اقرار باید امارات، یعنی مدارک، و دلایل دیگری وجود داشته باشد که در پرونده شمامه دلیلی که صحت اقرار شمامه را به اثبات برساند وجود ندارد.

ادامه در صفحه ۸

روزنامه اسپانیولی «جهان» و آقای احمدی نژاد!

روز نامه مذکور در خاتمه این نقل قول ها خواننده را برای خواندن ادامه مطلب به صفحه های ۲۴ و ۲۵ روز نامه دعوت می کند. این صفحات بر حسب اتفاق! در وسط های ورقهای روز نامه قرار دارند!

ابتدا در صفحه ۲۴ عکس بزرگ احمدی نژاد در حالی که چارقد سفید عربی ایی را در حال به سر کردن می باشد جلب توجه می کند. راستش من که کمتر عادت دارم روزنامه بخوانم از این که پاکت نامه ای نیز بین دو صفحه ذکر شده بود تعجب کردم.... نامه درب بسته بود و روی آن نوشته شده بود «فرانکسمو در تمبر و اسکناس» که ترجمه آن این طور می باشد طرفداری از فرانکو و تمبر های یادگاری و اسکناس

و یک اسکناس هزار پزوتایی زمان فرانکو دیکتاتور قبلی اسپانیا در آن پاکت بود!..... سعی می کنم نوشته های روز نامه را همانطور که در آن انعکاس دارد ترجمه کنم و مطالبی که به نظر برای گفتگو با جناباحمدی نژاد در این مصاحبه، مداخله این مصاحبه گر را لازم می داند در نهایت صداقت و رعایت احترام بنویسم .

عکس آقای احمدی نژاد در حالی که داره چارقد عربی سرش می کنه و هر دو تا دستاش به چارقد وصل می باشند جلب توجه می کند چشمهای جناب داره دوردستها را نگاه می کند یکی از چشمش از اون یکی بسته تره شاید نمی خواد با چشم چپش دنیا رو نیگا کنه! و شاید معلوم نیست داره به کسی چشمک می زنه.... و رنگ دور چشمش نشون می ده که چند دقیقه ای بیشتر نیست که از پای منقل تریاک بلند شده!.....

در این ترجمه وقتی خبر نگار اسپانیایی سوالی می کند و جوابی می شنود من نیز با اجازه خودم سوالی می کنم و جواب فرضی سوال خبر نگار «جهان» آن طور که جواب احتمالی احمدی نژاد می باشد را به میل خودم می نویسم چرا که احمدی نژاد هیچ وقت با من مصاحبه ای را انجام نخواهد داد منظورم این است که جرعت آن را نخواهد داشت!.....می دونید آخه خالی بنای ام وا گیر داره

Augusto r.zamora especial para EL MUNDO Managua

مصاحبه در ماناگوا جایی که احمدی نژاد شنبه گذشته از ونزوالا به آنجا آمده انجام می شود. دیدار احمدی نژاد از آمریکای لاتین با غیر معمول بودن آن و اهمیت ایران در صحنه سیاست جهان باعث ایجاد هیاهوی غیر معمول در منطقه شده است گر چه واشنگتون در مورد آن سکوت اختیار کرده و دست راستی های منطقه هم از خطر هایی که بستن

قرار داد ها و اتحاد های موضعی با ایران دارد را نا دیده نمی گیرند.

در طبقه ششم هتل کرون پالاسا می باشیم تعداد زیا دی ماموران امنیتی در حال رفت و آمد هستند مثل این می ماند که در دالون های خانه مورچه هایی باشیم . همه در رفت و آمد هستند و همه جا راز داری و سکوت بر قرار است.

چند دقیقه ای نمی گذرد که احمدی نژاد پیدایش می شود. قیافه ای بسیار انحصاری دارد و گویی صورتش برای خندیدن آفریده شده و بسیار مهربان و با حرکاتی موزون و آرام در نهایت ادب ما را می پذیرد.

« مصاحبه در طبقه ششم هتل مجلی در ماناگوا قرار بود انجام شود دیدار احمدی نژاد طبق تاتری که اینگلیسی ها نوشته بودند پیش می رفت و واشنگتون که اینبار تماشا گر این تاتر شده بود ابراز نظر خود را برای زمانی موقوف کرده بود که تمام نمایش را تا آخر به بیند و بعد نظر خود را به وسیله نامزد دراکولا سخنگوی خود ابراز دارد.

خبر نگاران روزنامه اشاره شده که نقشی ظاهرا فرعی در نمایش نامه را بازی می کردند در قسمتی از سالن در انتظار بودند. تعداد بسیاری از آدم کش های جمهوری اسلامی در راهرو ها مشغول رفت و آمد بودند.

من لباس غیبی خود را که از کودکی به یادگار نگاه داشته بودم به تن کرده بودم و کسی قادر به دیدن من نبود ولی اگر حرف می زدم صدایم شنیده می شد. چندی نگذشت که احمدی نژاد با چهره ای کریه و نا متناسب در حالی که از گوشه های دهانش خون می ریخت و شپشی که پرچم انگلیس را در دست داشت و در بین ریش های او با قدم های کوتاهی رژه می رفت به خبر نگاران خود فروش و وظیفه شناس نزدیک شد و با همه دست داد و بدون اینکه چشمهای سیاه چال مانندش مرا به بیند بروی صندلی نشست که البته من متوجه شدم که چوب های صندلی از تماس با بدن او ناراحت شدند ولی چیزی به روی خود نیاوردند. بوی متعفن دروغ تمام طبقه ششم آن هتل را پر کرده بود. »

سوال:

خاور میانه نزدیک اوضاع به شدت وخیمی را طی می کند و ایران در این مساله نقش تعیین کننده ای را ایفا می کند. آمریکا ایران و سوریه را عامل مغشوش کردن جنگ در عراق می داند و تهدید کرده است که اقداماتی علیه هر دو کشور انجام خواهد داد . جبهه گیری ایران در مقابل اتهامات آمریکا چه می باشد ؟.

جواب:

آمریکا که در ده هزار کیلومتری خاور میانه نزدیک قرار گرفته بوسیله نیروهای خود خیابان ها و شهر های عراق را اشغال کرده و تازه اینکه کشور های همسایه عراق را متهم به دخالت در عراق می کند. مردم عراق و مردم ایران صد ها سال است که با یک دیگر همزیستی داشته اند و میلیونها انسان در بین این مناطق رفت و آمد دارند و بسیاری از آنها با هم ازدواج کرده و روابط خانوادگی دارند. فکر می کنم که زمان آن رسیده که قدرت های بزرگ از نگرانی

خود در مورد این منطقه بکاهند و در تصمیم گیری های خود تغییر روش دهند. سلاهای کشتار جمعی ! در عراق وجود نداشت! و نه در این زمان صدام حسین وجود دارد. عراق قانون اساسی دارد و یک حکومت خوب که از طرف مردم انتخاب شده پس برای چه نیروهای اینگلیسی و آمریکایی هنوز در منطقه حضور دارند ؟ ما به این نتیجه رسیده ایم که اسلحه های کشتار وسیع و صدام بهانه ای بوده اند برای حمله به عراق. مشکل عراق حضور نیروهای خارجی در آن می باشد. ایران از غیر وابستگی و پیشرفت عراق حمایت می کند. فکر می کنیم که عدم وجود اطمینان زندگی در عراق بهانه ایست برای آمریکا و اینگلیس برای ماندن در عراق و به نظر ما آنها باعث ایجاد عدم ایمنی در عراق می باشند. در ایران گفته ای داریم که اینطور می گوید : مردی با قیافه ای زشت و زنده کودکی را در اغوش می گیرد ...بچه شروع به گریه می کند و گریه او قطع نمی شود مرد با چهره کریه کسانی را که در اطراف کودک بودند و سعی در آرام کردن وی داشتند دعوت به دور شدن می کند . که ناگهان مردی که دارای عقلی سالم بود در بین جماعت پیدا می شود و اینطور می گویدخواهش می کنم بچه را تنها بگذار چرا که دلیل گریه و وحشت او خود شما هستید نه دیگران.

« من که لباس غیبی بچه گی مو پوشیده بودم و مثل قابلمه ای بودم که رو آتیشه و آب توش تموم شده و نزدیک ذوب شدنه خودمو مجبور دیدم از این زاینده نا بجای طبیعت چند تا سوال کنم درست مثل همون سوالایی که هنر پیشه های قبلی از این موجود که زاینده خود فروش های بی رحم ایران بود کردند بکنم .

سوال:

منظور شما از خاور میانه نزدیک کدام است آیا این خاور میانه اگر نزدیک به شما می باشد چرا از هزاران کیلو متر فاصله صحبت می کنید آیا شما پراستی معنی کلمه خاور میانه نزدیک را می دانید. آیا شما می دانید که خاور نزدیک خود کشور های همجوار شما می باشند و می توانید برای ما توضیح دهید خاور میانه نزدیک برای شما کدام است ؟

جواب:

طرف که یه کمی گیج شده بود و نمی دونست این سوال از کجا سر در آورده گفت :

هیچی من فقط می دونم که از حدود پنجاه سال پیش تو این منطقه هنر پیشه انتخاب می کنن و از هنر پیشه های معروفی مثل جبهه ملی گرفته تا حزب توده توش نقش دارن من فقط اینو می دونم که اگه آمریکایی یا می گن خاور میانه نزدیکه پس باید نزدیک باشه اگه نزدیک نبود پس چرا کشتی های جنگشون تو خلیج فارسن و دارن از ما مواظبت می کنن؟ از همه گذشته قرار نبود این سوالهای غیر معمول از من انجام بشه.

من که لباس غیبی بچه گی مو تنم کرده بودم و همون پارچه ای که خواهرم وقتی کوچیک بودم رو سرم می داشت که سر و صورتم دیاه نشه رو سر خودم کشیده بودم به سوال کردنم ادامه دادم و پرسیدم.



→ آیا دلیل فامیل بودن شما با مردم عراق این نیست که سر بازان شما طبق قانون اسلام به عنوان غناعم جنگی مالک برزن و فرزند دشمن کافر بوده اند و به آنها تجاوز کرده و به این طریق با هم فامیل شده اید و بالعکس.

جواب:

چرا دقیقا همین است چرا که نه سر بازان ما به این طریق با عراقی ها ارتباط فامیلی برقرار کردند و آن طور که قانون جنگ بین ما موجودات می باشد سر بازان دشمن نیز هر از چند گاه که توانستند با ما ارتباط فامیلی برقرار کردند و باز همانطور که می دانید و آقای خمینی نیز فرمودند جنگ خوب است!

سوال:

شما فکر می کنید که سلاحهای کشتار وسیع در عراق وجود داشت یا نه.

چرا وجود داشت ولی چون کشور های سازنده ی این بمبها فراموش کرده بودند مارک شرکت سازنده آن را از روی آنها پاک کنند بوسیله علم غیب که البته من می دانم شما به آن اعتقادی ندارید غیب شدند.

سوال:

در جنگ عراق و ایران مصدومان بمب های شیمیایی را که از نظر شما قابل علاج نبودند چه می کردید؟

جواب:

شما خوب می دانید که ما ملاها موافق با پیشرفت علم و توسعه آن در تمام جوانیم به همین دلیل مجروحان جنگ شیمیایی را البته آنهايي را که ما عاجز از درمانشان بودیم به سرعت تمام و با تمام پرونده پزشکی مربوطه به وسیله هلی کوپتر هایی که از خود اینگیلیس خریداری کرده بودیم به بیمارستانهای انگلستان می فرستادیم تا اینکه متخصصین بتوانند بیمار را بر رسی کرده و بمبهای موثر تری در آینده تولید کنند ما همیشه موافق پیشرفت علم بوده ایم و خواهیم بود و شاهد آن استادی در دانشگاه تهران می باشد به نام که در جبهه پزشک سپاه پاسداران بود و هم اکنون در یکی از دانشگاههای بزرگ تهران مشغول تدریس می باشد البته یکی از شکایتهای وی این بود که چرا نتیجه آزمایشاتی را که در بیمارستان های انگلستان بروی بیماران شیمیایی انجام می دهند برای ما نمی فرستند و هنگامی که برای دریافت جنازه به فرود گاه می رویم هیچ اطلاعاتی در مورد بیمار در پرونده او وجود ندارد. که البته این چیزی نیست که به ما مربوط باشد همانطور که می دانید این چیزها مربوط به کسی است که نمایش نامه را نوشته.

سوال:

آیا شما حکومت عراق را به رسمیت می شناسید؟ البته چرا که حکومت عراق نیز مثل حکومت ایران بوسیله تهیه کننده نمایش نامه نوشته شده انتخاب شده و آنها نیز مثل ما در امر خراب کاری هیچ کوتاهی از خود انجام نمی دهند.

سوال:

شما که از چهره کریه آن مرد که مشغول مهر ورزی به آن کودک بود صحبت کردید میتوانید برای ما بگویید که چهره کریه چگونه است؟

جواب:

فکر می کنم که شما می توانید جواب این سوال را در کتاب حل المسائل خمینی پیدا کنید.

سوال:

آیا اعدام صدام حسین شکاف ایجاد شده کنونی بین سنی و شیعه را بیشتر نخواهد کرد؟

جواب:

عراق از یک ملت تشکیل شده. در طول صد ها سال اقوام مختلف شیعی سنی و کرد یا یکدیگر در صلح زندگی کرده اند و بین یکدیگر ازدواج کرده اند فقط بعد از دخالت اینگیلیس و آمریکا مشکلی به نام سنی و شیعی بوجود آمده. فقط آنها هستند که با کاشتن تخم نفاق سعی در جدا کردن این دو قوم را از یک دیگر برای حکومت در عراق در پیش گرفته اند. صدام حسین نه سنی بود و نه شیعی مسلمان نبود. و به دستور اینگیلیس و آمریکا عمل می کرد حد اقل طی ده سال در تحت حمایت آمریکا و اینگیلیس بود. وقتی به مردم عراق و ایران حمله می کرد همانها برای صدام دست می زدند. آنها امروز ناراحتند چون کسی را ندارند که از آنها اطاعت کند. فکر می کردند که با از بین بردن کسی که آنهاهم مورد تفر بود می توانند در منطقه بمانند و اراده مردم را به دست بگیرند. نتیجه کاملا بر عکس شد و امروز آمریکا و اینگیلیس مورد تفر تمام منطقه می باشند.

« سوال: چه ارتباطی بین اعدام صدام حسین و جنگ سنی و شیعی وجود دارد؟

جواب:

شما اگر خوب به خاطر داشته باشید آقای خمینی از سالها پیش رای حکم اعدام صدام حسین را صادر فرموده بودند و مردم فریب خورده ایران و شاید هم فرصت طلبانی که آنها را بسیجی می گویند در تظاهرات خود در خیابانهای متعفن از دروغ ایران فریاد می زدند « صدام حسین کافر اعدام باید گردد » به این مساله باید خوب توجه داشت که در یک فیلم سینمایی دو هنر پیشه نمی توانند نقش اول را بازی کنند. خوب توجه داشته باشید که در این فیلم سینمایی اگر اعدام وجود نداشت تماشاگران چگونه می توانستند به نقش آمریکا که یکی از لذت بخش ترین ساعت های فراغت آنها رفتن به تماشا و دیدن مردی که بر چوبه اعدام پا های خود را تکان تکان می دهد تا بمیرد را نازند، پی ببرند. شما خوب می دانید که کسانی بودند که در یک شب توانستند سر از تن هفتاد کافر جدا کنند و همان شب با وجود خستگی بتوانند تقاضاهای همسر خود را در رختخواب ارضاع نمایند باید به این نکته خوب توجه داشت که این کار آسانی نیست اگر امروز قضایی در محل شما باشد که بتواند سر از تن هفتاد گوسفند جدا کند آنوقت شما می توانید به صداقت حرفهای من تردید داشته باشید.

حالا اگر اینگیلیسی ها که برنامه ریز اصلی در این ماجرا هستند به وصیت نامه هنر پیشه اصلی، منظورم آغا جان است، توجه نداشته باشند چگونه خواهند

توانست کنجکاوای را در بین تماشاگران ایجاد کنند. همین خود من، شما فکر می کنید مرا همین طوری الکی برای نقشی که ایفا می کنم انتخاب کرده اند؟ اینطور که یادمه وقتی سربازای آمریکایی سوار قطار سراسری ایران شدند که هنر پیشه قدیمی رضا خان بوسیله اضافه کردن یک شاهی مالیات بر قند و شکر ساخته بود جشن عمر کشان در ایران رایج شد. خوب یادمه که مامان جونم لباسای کهنه ما رو به هم می دوخت و یه عروسک درست می کرد و مردی که تو خونه با مامانم بود یه چوب در مقعد عروسک فرو می کرد و از دهش بیرون می آورد و می گفت این عمره و وقتی غروب می شد بابام یه کمی نفت روش می ریخت و اونو آتیش می زد و چوبی را که از ماتحت عمر بیرون اومده بود دست ما بچه ها می دادند ماه م همینطور که تو کوچه می دوویدم داد می زدیم: عمر کشانه و بعد که آتش عروسک عمر نزدیک به خاموش شدن می شد آن را به زمین می انداختیم و لکد کوب می کردیم و آخر شب توی همه کوچه ها رو بوی پارچه سوخته پر می کرد.

شما ما ایرانی ها را دست کم گرفته اید سر زمین ایران سراسر از استوره های های اسلامی می باشد این فرهنگ را شما می توانید در بر رسی کاملی از اسلام متوجه شوید مردم با فرهنگ اسلامی ایران خوب می دانند و به این گفته که « از ماست که بر ماست » اعتقاد دارند. حالا شما بگویید اعدام صدام حسین در این نمایش نامه به جا بوده یا نه؟

« سوال: اینکه می گوئید که آمریکا و اینگیلیس دیگر کسی را ندارند که از آنها اطاعت کند را می توانید بیشتر توضیح دهید.

جواب:

انها خمینی را به عنوان هنر پیشه اول فیلم انتخاب کرده بودند ولی ایشان در حین اجرای نقش خود جام زهر را به جای جام شراب بهشتی به اشتباه نوشیدند و نمایش نامه نویس اینطور که گفته می شود مجبور شد در نوشته های خود تغییراتی را انجام دهد. شما خوب می دانید که پیش نویس این نمایش نامه بیشتر از هفتاد سال است که نوشته شده. و چون نمایش نامه نویس که بیشترین محققین و اسلام شناس های دنیا را پرورش داده به طوری که زمانهایی بوده که معمان و صالحین خود کشور های اسلامی مجبور شده اند برای تفسیر نکاتی که برایشان مبهم بوده از ملکه اینگیلیس تقاضای راهنمایی کنند و اگر خوب توجه کنید این خود نشان دهنده نفوذ مذهب اسلام در جهان می باشد. البته در مورد اینکه امروزه ما بر این اعتقاد هستیم که دیگر کسی برای آمریکا و اینگیلیس تره هم خورد نمی کند باید به این نکته خوب توجه داشت که امروزه روز تره بسیار کم یاب شده و آن هم به دلیل گران شدن قیمت نفت تصفیه شده ایست که خود آنها به ما می فروشند. اگر شما خوب به وضع منطقه توجه کنید منظور من نه دولت ها ویا هنر پیشه ها بودند که حرف تهیه کننده را گوش نمی دهند منظور من مردم بودند که دیگر حرف ارباب را نمی خواهند گوش بدهند. این سوال شما به نظر من سوالی بدون مطالعه قبلی

→ بوده و این طور که من می دانم باید این مطلب را تاکید کنم که تمام هنر پیشه های این نمایش نامه تمام تلاش خود را برای اجرای مو به موی نقش خود انجام داده و انجام خواهیم داد.»

سوال:

در روز نامه ساندی تایمز این طور بیان شده است که اسرائیل در حال آماده شدن یک حمله نظامی و احتمالا اتمی به تاسیسات اتمی ایران می باشد اگر این موضوع راست باشد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ و جواب ایران چه خواهد بود؟

جواب:

رژیم صهیونیسم یک رژیم غیر قانونی است. این رژیم برای تهدید رژیم های دیگر درست شده. تمام مردم شرق نزدیک از این رژیم متنفرند. رژیم است دست نشاندۀ دیکتاتور و در پی صدمه زدن به رژیم ایران می باشد آنها خواب های بسیاری دیده اند ولی هر کاری را که می خواهند نمی توانند انجام دهند. برای به اجرا در آوردن خواب های خود بسیار ضعیف می باشند. بسیار خوب از قدرت مردم ایران خبر دارند. به نظر من هیچ گاه جرعت حمله به ما را نخواهند داشت نه آنها و نه اربابانشان و نه این چنین کار احمقانه ای را انجام خواهند داد.

سوال:

اگر اسرائیل با بمب های خوشه ای و اتمی به تاسیسات اتمی ایران حمله کند چه خواهد شد؟

جواب:

همانطور که گفتیم هیچ اتفاقی نخواهد افتاد همانطور که در جنگ ایران و عراق اتفاقی برای ما بر گزیده گان مردم نیفتاد این بار هم هیچ بلایی به سر ما و خانواده بر گزیدگان این ملت با فرهنگ نخواهد افتاد در ایران بسیار جوانان هستند که برای رفتن به بهشت بر ما ارجحیت دارند و ما همانطور که در انتخابات دیدید رعایت صف را می کنیم و حق شهید شدن را به کسانی که بر تر از ما هستند واگذار می کنیم. مگر یادتان نیست که در جنگ نمایشی ایران و عراق فقط هوایماهای دشمن کافر می توانست خانه های کسانی را که از زمانهایی زود تر برای شهید شدن نام نویسی کرده بودند بمب باران کند و هوا پیمایها ما نیز طبق همین قرار داد های بی المللی عمل به مثل می کرد و هیچ کدام از خانه های هنر پیشه ها را بمب باران نکردیم. ما به قرار داد خود با صدام کافر پای بند بودیم همانطور که آنها بیشتر مناطق کرد نشین ایران را بمب باران می کردند ما نیز مناطق کرد نشین آنها را بمب باران می کردیم ما و دولت عراق درست پر طبق نوشته های تاتر عمل کردیم بخصوص در آخرین سالهای جنگ فقط و فقط مناطق کرد نشین را بمباران می کردیم آیا کسی می تواند بگوید که ما نقش خود را تمام و کمال انجام نداده ایم آیا فرستادن نوزادان و زنان و پیرمردان کرد عراقی به بهشت برای ما ملت مسلمان و با فرهنگ ایرانی باعث افتخار نمی باشد؟ ما و بازاریان ایران هیچ گاه خود را در صف شهدای از پیش نام نوشته جا نخواهیم زد و به احترام طبقاتی از جامعه که در فقر و بد بختی زندگی می کنند و تنها راه رهایی آنها

بهشت می باشد تا آخر عمر در انتظار بهشت صبر خواهیم کرد هر چند که برای ما سخت باشد. پس اگر هم اسرائیل به ایران حمله کند محبتی به ملت درد کشیده ما خواهد کرد و آنها را زود تر از آنکه ما تصور کرده بودیم به بهشت خواهند فرستاد.

سوال:

قانونی بودن و یا غیر قانونی بودن قوانین بین المللی از نظر شما چه مفهومی دارد؟

جواب:

در جواب این سوال باید بگویم که بطور مثال آیا حکومت جمهوری اسلامی قانونی است یا قانونی نیست؟ حکومت من که البته منظورم حکومت اسلامی ایران می باشد با تمام کشور های سرمایه داری جهان دارای ارتباط نزدیک می باشد ما هنوز برای مقابله با صهیونیسم از خود آنها تجهیزات جنگی می خریم و پرداخت پول هیچ کدام از آنها تا کنون به تاخیر نیافتاده آیا برای تهیه فیلم های سینمایی قانونی نوشته شده نباید مخارجی پرداخت شود؟ ما طبق اسلام عمل می کنیم و مسول این هستیم که مردم رنج دیده مسلمان را هر چه زود تر از درد و رنج آزاد کنیم و به بهشت موعود بفرستیم در حقیقت ما مجری دستورات نماینده قوانین الهی که فعلا و در این زمانی که زندگی می کنیم ملاحظه معظمه ملکه بزرگ انگلستان می باشد هستیم البته وختی شبها برای استراحت به خانه می رویم به جمله هنر پیشه بزرگ ایرانی خمینی نیز می اندیشیم که در یکی از صحنه های فیلم فرمودند قانون را من تعیین می کنم و تمام قوانین ایشان را در رختخواب رعایت می کنیم. مثال دیگری را برایتان می آورم در ایران بریدن دست و قطع کردن گردن کافران قانونی است همان طور که در جهنم این امر قانونی است و لی در بهشت غیر قانونی می باشد و یا بر عکس تجاوز به دختران باکره نه ساله چه در این جهان و چه در بهشت نه تنها قانونی بلکه باعث خیر و برکت نیز می باشد و خلاف آن غیر قانونی است.»

سوال: در روز نامه ها اینطور درج شده که شما یکی از وظیفه های خود را این میدانید که اسرائیل را نابود کنید؟

جواب:

نظر من بسیار مشخص است. من دو سوال و دو جواب را مطرح کرده ام. اولین سوال من این است.

اگر هلوکاستو یک واقعتی می باشد و اگر وجود داشت. برای چه اطلاعات واضحی در مورد آن وجود ندارد. برای چه اجازه نمی دهند در این مورد بررسی شود. اینطور که ما می بینیم هر محققى در این مورد محکوم می شود. اجازه داده نمی شود سوالاتی در این مورد مطرح شود. اگر واقعا هولوکاستو وجود داشت در چه نقطه ای اتفاق افتاد و چه تقصیری در این مورد به گردن مردم فلسطین می باشد؟ اگر هلو کاستو در منطقه دیگری اتفاع افتاد چه ارتباطی با مردم فلسطین دارد. ما تصور می کنیم که اجبار کردن مردم فلسطین برای قبول این رژیم بزرگترین بی عدالتی در طول تاریخ انسانیت می باشد. حدود شصت سال است که از سرزمین خود اخراج شده اند. و هر روز کشتار جدیدی را در سر زمین های اشغالی شاهد هستیم. همینطور

نیز دو پیش نهاد مشخص به کشور های غربی داده ایم که به خاطر منافع اقتصادی و سیاسی خود رژیم صهیونیستی را بر مردم منطقه تحمیل کرده اند. اولین پیشنهاد این است: یاخود شما نبودید ای رژیم را بر مردم فلسطین حاکم کردید؟ پس خود شما هستید که باید آن را بر دارید! آمریکایها و اینگیلیس ها هستند که باید آنرا بر دارند. اگر اولین پیشنهاد را قبول ندارند به سراغ دومی برویم که یک انتخابات دمکراتیک مردمی می باشد! که در آن تمام مردم فلسطین شرکت داشته باشند تمام احزاب مسیبهی یان جهود ها و مسلمانان که این امر مشخصی در نوشته های سازمان ملل می باشد! و به این طریق به مردم فلسطین اجازه می دهیم که در تائین سر نوشت خود سهیم باشند! راستی من دارم شاخ در می ارم. مترجم. این موطع ما می باشد و فکر می کنم که منطقی و قانونی می باشد. ما جنگ نمی خواهیم ما در گیری نمی خواهیم متفر نمی خواهیم چیزی که سعی در آن داریم حل مساله رژیم صهیونیستی می باشد که سر چشمه تنفر می باشد. وقتی مشکلی پیش می آید باید در پی سرچشمه و دلیل آن باشیم در مورد هولو کاستو صحبتی کرده اند و به دلیل این صحبت رژیم صهیونیست را بوجود آورده اند. از شصت سال پیش تا به حال همیشه مشکل و جنگ وجود داشته است اگر مشکل را از ریشه حل کنیم دیگر مساله ای باقی نمی ماند. من از شما سوال می کنم اتحاد شوروی کجاست؟ غیب شده است.

«سوال: دولت ایران با نمایش نظامی چند ماه پیش و با در نظر گرفتن اینکه یکی از قدرت مند ترین تولید کننده گان و مصرف کننده گان مواد مخدر و هم چنین دارای بزرگترین مخازن افیون جامعه که مذهب است می باشد. از کدام یک از اسلحه های خود برای مقابله با حمله اتمی اسرائیل استفاده خواهد کرد؟

جواب:

این سوال بسیار به جایی می باشد. ما همانطور که می دانید از اسلحه مذهب برای مبارزه با اغتشاشات داخلی استفاده می کنیم و اگر خوب توجه داشته باشید افیون مذهب با فرهنگ ایرانی بسیار آمیخته می باشد و در همین زمینه نیز دانشگاه بزرگی به نام مدرسه علمیه در قم وجود دارد که به تعلیم و تربیت مدبران و متخصصان این رشته مشغول می باشد و تا به حال نوابغی همچون خمینی و منتظری و خامنه ای را نیز به جامعه فرهنگ پرور ایران اعاده کرده است. ما در پیش نهاد خود تسریح کردیم که همانطور که غرب توانست حکومت کافران را در روسیه غیب کند می تواند صهیونیسم را نیز نابود کند. ما از خاخام های قوم یهود می خواهیم که به جای اینکه تمام وقت خود را در کوبیدن سرشان به دیوار صرف کنند بر زمین نشسته و سر خود را بر مهر بگذارند. و حتی برای اینکه ثابت کنیم که ما صلح طلب هستیم می توانم به شما بگویم که رهبر فرهنگی ما ایرانیان...خامنه ای حاضر است به عنوان نشان صلح طلبی ما به اسرائیل رفته و سر خود را به دیوار پشیمانی بکوبد. ما صلح می خواهیم ولی اگر آنها جنگ می خواهند مردم ما که جسمشان با موادمخدر

و روحشان مملو از خرافات

→ مذهبی می باشد آماده جنگ هستند و از نظر من همانطور که قبلا اشاره کردم این برای ملت تشنه شهادت ما پیروزی نهایی می باشد و نام ما نیز در تاریخ به عنوان رهبرانی که توانستند مردم خود را هر چه زود تر به مقصد نهایی خود که همان بهشت است برسانند ثبت خواهد شد ما در راه رستگاری مردم از هیچ تلاشی کوتاهی نمی کنیم نمونه آن حدود دو میلیون ایرانی و عراقی هستند که با پاسپورت جمهوری ایرانی در بهشت زندگی می کنند.

سوال: شما در جوابتان به خبرنگار خبره در مخلوش کردن افکار عمومی فرمودید که اتحاد جماهیر شوروی کجاست؟ و در نهایت گفتید که غیب شده است. آیا منظور شما این نیست که سرمایه داری جهان همانطور که سیستم روسیه را از بین برد باید که صهیونیسم را نیز از میان ببرد به این ترتیب شما می خواهید بگویید که غرب سرمایه داری می تواند در این مورد نیز با شما هم پیمان باشد و یا اینکه اشاره شما این است که شما هیچ تضاد اصلی با سرمایه داری ندارید و آنها می توانند به شما یا شما می توانید با آنها برای نابودی اسرائیل همکاری کنید راستش من خوب جواب شما را در این مورد متوجه نشدم اگر شما از غیب شدن به قول خودتان کمونیسم به وسیله غرب راضی هستید پس چرا می گوید که آنها دشمن شما هستند.

جواب: شما دارید جواب من را تحریف می کنید. منظور من از اینکه شوروی غیب شد این نبود که سرمایه داری غرب توانست بر آن پیروز شود منظور من چیز دیگری است. همان طور که خود شما هم اکنون که با من صحبت می کنید غیبی هستید و من نمی توانم شما را به بینم کمونیسم روسیه هم غیب شده. من شخصا چون یکی از روزها که از خواب بیدار شده بودم شنیدم که روسیه غیب شده انرا مطرح کردم و راستش را نمی دانم چون مردم روسیه هنوز هستند و من آنها را در تلویزون دیده ام.

سوال: مردم ایران در جنبش انقلابی خود وقتی می گفتند مرگ بر آمریکا و مرگ بر اینگیلیس از نظر شما منظورشان مرگ بر سیستم سرمایه داری حاکم بر این کشورها بوده و یا فقط با اسم این کشورها موافق نبودند و می خواستند که آنها اسم کشورشان را تغییر دهند.

جواب: این سوال نیز به نظر من تنگ نظری شما و عدم آگاهی شما را نسبت به فرهنگ مذهبی ما را نشان می دهد. این بسیار بدیهی می باشد شما تصور کنید که به جای اسم آمریکا امام زاده نانجیب و یا به جای اسم اینگیلیس امام زاده نجیب بود آیا ملت ما شعار مرگ بر این امام زاده ها را می داد؟ بدیهی است که جواب سوال نه می باشد. شما اگر خوب به قوانین مملکت ما توجه کنید بطور مثال اگر کسی بخواهد اسم فرزند خود را ارش و یا سحر بگذارد اسمی اسلامی هم باید ضمیمه آن بکند. من شخصا بر این تصورم که اگر آن دو اسم غیر قانونی به «امامزاده حاکم آمریکا» و «امامزاده قاضی اینگیلیس» تعویض شوند بسیاری از مشکلات دنیا حل خواهد شد.

سوال: در نظریات پیشنهادی بی کر baker

اند. آیا شما با روسیه و چین دچار مشکل می باشید؟

جواب: آمریکا و اینگیلیس هر دو به یک اندازه با پیشرفت ایران مخالف هستند. هر کدام از پیشرفت های ما با مخالفت این دو کشور مواجه می شود.

هر زمانی که در ایران قرار است انتخابات عمومی انجام شود آنها مردم را به عدم شرکت در انتخابات تشویق می کنند. می گویند که مخالف تسلیحات اتمی می باشند و در عین حال رژیم صهیونیسی دارای اسلحه های اتمی می باشد و آمریکا و اینگیلیس از این موضوع خوشحال هستند. ایران همیشه با اژانس اتمی همیشه با علاقه همکاری کرده و تمام قوانین را به درستی رعایت کرده.

شورای امنیت مسول دفاع حقوق ملت ها می باشد ولی آمریکا و اینگیلیس انرا الت دست خود قرار داده اند شورای امنیت چیزی برای گفتن ندارد. اعمال آمریکا و اینگیلیس به ملت ایران صدمه وارد کرده اند و باعث عدم اعتبار شورای امنیت شده اند. و مقصر آن نیز آمریکا و اینگیلیس هستند که همیشه برای منافع خود ماده اذیت و آزار ملت های دیگر هستند. بی ارزش کردن سازمان ملل هیچ فایده ای برای آنها نخواهد داشت. و به هر صورت تاثیر کمی در موقیت سیاسی ما خواهد داشت. تصور می کنیم که این اوضاع باعث ضعف اینگیلیس و آمریکا شده و به منزوی شدن بیشتر آنها در جهان کمک خواهد کرد.

سوال: شما می توانید تکلیف مردم را روشن کرده و بگویید که شورای امنیت را قبول دارید یا ندارید.

جواب: اگر شما توجه داشته باشید ما نماینده در سازمان ملل داریم ولی اگر آن را قبول داریم یا نداریم را باید شورای نگهبان ایران بگوید که من نیز مثل شما در انتظار نظر آنها می باشم.

سوال: آیا سفر شما به آمریکای لاتین نشان دهنده نیاز و علاقه زیاد شما برای نزدیکی با آنها نمی باشد؟

جواب: ما تمایل بسیاری در ایجاد ارتباط با دولت ها و مردم جهان را داریم و بیشتر از همه با دولت هایی که خواستار پیشرفت می باشند و خواستار عدالت اجتماعی می باشند امروز مردم آمریکای لاتین خواستار غیر وابستگی خود می باشند و با ادعای مالکیت امپریالیسم بر جهان مبارزه می کنند. بسیار طبیعی است که ما نیز همراه با خواستهای این مردم باشیم ما با ونزوئلا ارتباط بسیار خوبی داریم و با نیکارا گوا همیشه ارتباط وسیعی داشته ایم سال ۱۹۷۹ متلاقی شد و به همین دلیل یک احساس دوستی و صمیمیت بین دو کشور وجود دارد.

سوال: شما چه وجه اشتراکی را بین مردم آمریکای لاتین و مردم ایران میدانید و وجه مشترک دولت مردان ایران و این سه کشور را در چه می دانید؟

جواب: من در پاسخ های قبلی خود به این سوال شما تقریبا پاسخ داده ام ولی اینطور که مشاهده می کنم کافی به نظر نمی رسد و شاید از طریق طرح ریاضی آن بتوانم واضح تر این سوال را جواب

اینطور آمده که برای برقراری صلح در عراق ایران از ملزومات می باشد. اگر از کشور شما برای برقراری صلح در عراق تقاضای کمک شود حاضر به هم کاری همه جانبه خواهید بود؟ و به جای این همکاری چه چیزی را مطالبه خواهید کرد؟

جواب: ما امید داریم که صلح برقرار شود که به نفع همه می باشد چرا که ما اولین کسی هستیم که از نا آرامی در عراق صدمه می بینیم. مرز مشترکی نزدیک به هزار کیلومتر با آنها داریم. تروریستیایی تحت حمایت اینگیلیستان وجود دارند که از مرز گذشته و در خاک ما بمب گذاری کرده اند. ما از خدا می خواهیم که صلح و امنیت در عراق باشد. ولی به وضوح می بینیم که نه آمریکا و نه اینگیلیس خواستار صلح در منطقه می باشند. آنها مخالف حکومت مردمی در عراق می باشند کسانی که حکومت مردمی را ضعیف می خواهند اگر آنها رفتار خود را عوض کنند همه چیز تغییر خواهد کرد. ما همیشه هم در جوار مردم و هم حکومت جدید عراقی بوده ایم. ما دو ملت و دو دولت متحد هستیم. ما همیشه آماده پذیرش تقاضای هر گونه کمکی از طرف دولت عراق می باشیم.

سوال: شما موافق دولت عراق می باشید آمریکا موافق دولت عراق می باشد اینگیلیس موافق دولت عراق می باشد اگر به صورت مسأله بالا توجه کنید شما در مورد دولت عراق که بقول شما نماینده مردم آن کشور می باشد هیچ اختلافی با آمریکا ندارید. آیا با این گفته موافق هستید؟

جواب: شما چرا مسأله را اینطور مطرح نمی کنید:

ما با تمایلات چپ گرای مردم عراق موافق نیستیم. آمریکا بی ها با انقلاب در عراق موافق نیستند. اینگیلیسی ها با نوع انقلاب در عراق موافق نیستند.

فرانسوی ها و ایتالیایی ها با هیچ کدام از ما سه نفر موافق نیستند.

روسیه و چین با تمام موارد بالا عدم توافق دارند.

ولی اسرائیل با تمام موارد بالا موافق است.

سوال: شما حمله به سفارت های کشورهای مختلف را غیر قانونی می دانید و به همین دلیل به اشغال گنسلوگری ایران در عراق اعتراض دارید. آیا اشغال سفارت آمریکا در ایران از نظر شما قانونی بود و یا غیر قانونی؟

جواب: بستگی دارد که شما قانون را از چه جنبه ای و از دید چه حکومتی بر رسی کنید اشغال سفارت آمریکا مسا له ای است که من می توانم در مورد آن در مصاحبه بعدی خود افشاگری کنم. شما که مصاحبه گر هستید باید به این موضوع خوب آگاهی داشته باشید که مسأله اشغال سفارت آمریکا احتیاج به وقت بیشتری برای خواننده دارد و به شما قول می دهم در مصاحبه بعدی بطور کامل به آن خواهیم پرداخت.

سوال: شورای امنیت سازمان ملل رای به برقراری جرمه هایی به دلیل ادامه فعالیت های هسته ایی ایران صادر کرده که در آن روسیه و چین که هم پیمانان ایران به شمار می روند نیز رای موافق داده

داده بدهم . در ابتدا باید تفاوت بین حکومت و مردم را روشن کنم نقش ما با نقش مردم بسیار متفاوت می باشد همانطور که بین تماشاچی یک فیلم و هنرپیشه های آن تفاوت وجود دارد . مردم به اسم فیلم توجه می کنند و در تصور خود آن را با خیالات ذهنی خود مشابه می یابند و به تماشای آن می روند. ولی هنرپیشه نقشی در درک و یا خواسته های تماشاچی ندارد و همینطور هیچ اطلاعی نیز از خواسته های مردم را ندارد او فقط نقش خود را بازی می کند چرا که از قبل تماشاچی ها وی را برای خواسته های خود انتخاب نکرده اند بلکه تهیه کننده فیلم او را برای ایفای نقشی استخدام کرده است . توجه داشته باشید که در این موقع از تاریخ که بشریت قرار گرفته صاحبان سرمایه جهانی متوجه این مطلب شده اند که مردم خیلی خوب به این آگاهی دست یافته اند که دلایل فقر و اینکه ریشه تمام جنگها و عدم تساوی ها در سیستم سرمایه داری که مشخصا با همیاری مذهب که مثل تیر و تفنگ لازم و ملزوم یکدیگر اند می باشد . ظاهرا حل این مشکل که انقلابات مردم را بر علیه سرمایه در پیش داشت بسیار مشکل بنظر می رسد ولی از آنجا که نمایندگان سرمایه نیز از هوش کمی برخوردار نیستند راه چاره ای بسیار آسان پیدا کرده اند. مردم ایران وقتی می گفتند مرگ بر اینگیلیس و مرگ بر امریکا منظورشان نابودی سیستم حاکم بر این کشور ها بود و این کلمات حل مشکل را برای سرمایه بسیار آسان کرد. خمینی که نماینده بازار بود نیز از همین کلمات استفاده کرد حکومت شورایی را که خواست مردم بود پذیرفت ولی کلمه ای به آن اضافه کرد شوراهای اسلامی اگر توجه داشته باشید ایشان و هیچ کدام از کار گذاران جمهوری اسلامی کلمه مرگ بر سرمایه داری را نه به زبان آورده و نه در پلاکاردهای تظاهرات نمایشی خود ابراز کرده اند. تفاوت هنرپیشه بودن و کار گذار بودن سرمایه داری را با نماینده واقعی مردم بودن را امیدوارم توانسته باشم بطور واضح توضیح داده باشم. حالا دلیل نیاز ارتباط ما را با کشور هایی که مردم آن به حقوق خود آگاه شده و خطر انقلاب در آنها وجود دارد را توضیح می دهم.

وجوه اشتراک:

مردم ایران و تمام مردم این کشور ها در اصل ضد سرمایه داری هستند . تمام منتخبین این کشور ها در ظاهر ضد سرمایه داری هستند . همه دولت های آنها مکه مشترکی دارند فیدل همه این دولت ها با فیدل روابط دوستانه دارند همه مردم این کشور ها دشمن جامعه بشری را به خوبی می شناسند همه حکومت های این کشور ها با دشمن جامعه بشری ارتباط دارند همه مردم این کشور ها ضد رژیم سرمایه داری می باشند همه حکومت های این کشور ها ضد آمریکا می باشند نه ضد سرمایه داری

همه مردم این کشور ها مخالف کشور گشایی و تجاوز به سر زمین های دیگر به خصوص به وسیله اسرائیل می باشند همه این حکومت ها بخصوص ایران با اسرائیل مبادلات تجاری و نظامی پنهانی دارند همه مردم این کشور ها خواستار جدایی مذهب از امور روز مره مردم می باشند همه حکومت های این کشور ها تظاهر به وابستگی مذهب با امور روز مره مردم را دارند

و جالب تر از همه هیچ کدام از این حکومت ها برنامه مشابهی برای مردم سرزمین های خود ندارند .

من در سخن رانی خود اگر خوب به یاد داشته باشم تاکید کرده بودم که یکی از وظیفه های دولت من برای حل مشکلات مردم باز گرداندن ثروت مردم به خود مردم می باشد در گذشته مردم اموال خود را یعنی تمام چیز های خود را به حکومت واگذار کرده بودند از صنایع سنگین گرفته تا وسایل ارتباط عمومی و حتی اداره امور حفاظت از جنگل ها را ما همان طور که چاوز می داند حکومتی مردمی هستیم و می خواهیم مال مردم را که دولت غصب کرده بود به خود آنها برگردانیم من خوب نمی دانم شما با کلمه حراجیه مال حاجیه آشنا هستید یا نه ما همه چیز را می خواهیم به خود مردم که مال خودشان بوده برگردانیم خوب به این نکته باید توجه داشت که ما با این عمل خود به همه ثابت می کنیم که مال مردم خور نیستیم علاوه بر آن اگر به سخن رانی یکی از مسولین توجه داشته باشید در این امر مردمی با یکی از مشکلاتی که مواجه هستیم این است که بسیاری از کشاورز ها خود را مالک زمینهای کشاورزی که در آن کار می کنند می دانند و می خواهند مال مردم را بالا بکشند که امید وارم با کمک صاحبان آن که خود این مردم می باشند و کمک نیروهای نظامی حق مردم را از کشاورزان حقه باز پس گرفته و به صاحبان اصلی آن که شما خود ملت می باشید پاس برگردانیم . و اگر هم روزی دیدیم که هیچ صدایی از کسی در نمی آید مناطق نفتی را نیز به صاحبان اصلی خود پس خواهیم داد.

حکومت ما مردمی می باشد و ما هر چه را که متعلق به مردم بوده و به وسیله دولت غصب شده به آنها پس خواهیم داد . تنها اختلاف ظاهری که البته به طور مثال می گویم این است که چاوز چاه های نفتی کشورش را متعلق به خسو کریستو می دادند و می خواهد سند آن را به نام او کند ولی ما به قرار داد های قبلی خود با تهیه کننده این فیلم سینمایی که در آن بازی می کنیم می خواهیم پای بند باشیم و همه تماشاچیان می توانند به قول من اطمینان داشته باشند . ما همگی در این فیلم که نویسنده آن اینگیلیس می باشد هنرپیشه ای بیش نیستیم ما رفتنی هستیم ولی به امید ملکه ماندنی است . برای پایان دادن به پاسخ خود خیلی دلم می خواهد که به نکته کوچکی نیز اشاره کنم روزی که چاوز و من قرار بود در سازمان ملل سخن رانی کنیم و همانطور که تهیه کننده به ما گفته بود بعد از اینکه

همه تقصیر ها را سر آمریکا انداختیم و مردم دنیا فهمیدن که ما ضد آمریکایی هستیم نهار را با هم خوردیم و چاوز از اینکه نهار حلال میخورد که مامان من برام درست کرده بود و به عالمه مشکل برام در فرود گاه پیش آورده بود خیلی خوشحال شد و قول داد که نماینده های کریستو را که سوسیالیست هستند با آخوند های ما که در تعمیق افکار مردم از تجربه بیشتری بر خور دار میباشند به عنوان تبادل فرهنگی مورد تعویض قرار دهیم . و به این وسیله تبادل فرهنگی را بین دو کشور به درجه بالا تری برسانیم.

امید وارم متوجه شده باشید که تهیه کننده نمایش نامه با بر قراری پیوند بین هنرپیشه های انتخابی و دمکراتیک خود فصدی بیشتر از بهبود صحنه های نمایش نداشته و همیشه برای ارضای نظر تماشا چیان بوده و هست. من به رییس جمهور نیکارا گوا قول داده ام که تجربه های خود را با او در میان بگذارم !.

سوال:

شما چه پیغامی برای مردم نیکارا گوا دارید؟

جواب:

مردم نیکاراگوا مردمی آگاه و یکتا پرست و طالب عدالت اجتماعی می باشند. ما می خواهیم به ملت نیکاراگویه بگوئیم که با شما هستیم و اگر از یکدیگر حمایت کنیم می توانیم مملکت خود را باز سازی کنیم.

من به اینجا آمده ام که حمایت خود را از نیکاراگویه ابراز کنم.

شما خودتونو بنارین به جای یک مبارز آمریکای لاتین که هیچ اطلاعی از اوضاع ایران ندارد و مصاحبه اختصاصی روز نامه اسپانیایی با احمدی نژاد را می خواند چه چیزی در تصور او نقش می بندد آیا صحبت های او را با آرمان های خود منطبق نمی بیند ؟ این مصاحبه که نمونه بسیاری از آن را در دنیای امروز می توان دید نشانه فریب کاری و زیرکی جامعه سرمایه داری می باشد با افشای این روزنامه نویسان خود فروش در احتراز پرچم مبارزه سرخ انسان و بر قراری حکومت شورایی بکوشیم.

در امید شکستن پیمان سرمایه و مذهب که با شکستن این پیمان اثری از هیچ کدام باقی نخواهد ماند.

با افشاگری حکومت های فریبکار گامی دیگر را در راهی که در پیش داریم برداشته ایم .

آری

این گوشواره های سبز را

از بلبل گوش های دروغین خود بردار

که رنگ سبز رنگ کار است

که داس مرگ به جای سبز

بر گوشهای ناشوای تو

ای دروغین نقال کار

خوب تر اویز می باشد

و رنگ داس مرگ

گوشواره های تو

امید به نجات جان شمامه (ملک) قربانی محکوم به سنگسار

[۲۱ na ۷۰۰۲] [سهیلا وحدتی]
حقوق بشر

گفتگو با محمد مصطفایی (وکیل شمامه قربانی)

مقتول با تهدید، شمامه را وادار به
ارتباط با او کرده

بوده و این ارتباط با اکراه وجود داشته
است و مسایلی از این قبیل.

ما در دفاع از شمامه در دادگاه تجدید
نظر روی این شبهه‌ها تکیه کردیم که

قضات با دقت به دفاعیات ما توجه
کردند. جلسه بعدی دادگاه تجدید نظر

یکی دو ماه دیگر برگزار خواهد شد که
رای نهایی را صادر خواهد کرد.

امیدوارم شمامه از اتهام وارده تبرئه شود
چرا که او بی گناه بوده و اسیر تعصبات

بی مورد برادرش شده و در حال حاضر
از نظر روحی فشار زیادی را تحمل می

کند چون برادرش به شدت او را آزار
می دهد و به مرگ تهدید می کند.

وحدتی: اصلاً وضعیت شوهر و برادر
شمامه که مراد را به قتل رسانده اند

اکنون چیست؟ و در صورت تبرئه
شمامه، وضعیت آنها چگونه تغییر

خواهد کرد؟
مصطفایی: برادر و شوهر شمامه به

جرم ارتکاب قتل عمد به اعتقاد به
مهذور الدم بودن که موجب اخلال

در نظم جامعه شده، هر یک به شش
سال حبس محکوم شده اند و اکنون در

زندان ارومیه بسر می برند.
اگر شمامه تبرئه شود مجازات مباشرین

به قتل، قصاص نفس می باشد. ولی
دادگاه می تواند به دلیل اشتباهی که

این دو در مورد موضوع مرتکب
شده اند آنها را تعزیر کند یعنی زندانی

و به پرداخت دیه نیز محکوم نماید و یا
حکم کنونی را ابقا کند.

شمامه نیز در صورت تبرئه از زنا ممکن
است تعزیر شود. زیرا در قانون مجازات

آمده که اگر شخصی اقرار به زنا کند و
پس از آن منکر گردد از زنا محصنه

تبرئه شده و تعزیر می شود. به عبارت
دیگر، هر گاه مرد یا زنی در چهار بار

نزد حاکم اقرار به زنا کند محکوم به
حد زنا خواهد شد و متعاقب آن اگر

منکر شود تعزیر می شود.

وحدتی: خوانندگان ایران امروز در
صورتیکه بخواهند گامی جهت نجات

جان ملک قربانی بردارند، چه کاری از
دستشان بر می آید و چه می توانند

بکنند؟
مصطفایی: شمامه قربانی ، قربانی

خشونت به معنی واقعی شده و می
توان از جمله افرادی به حساب آورد

که واقعا نیاز به کمک و حمایت دارد
چه در حال حاضر که در زندان به سر

می برد و چه زمانی که از زندان نجات
یابد. فعلاً باید صبر کرد و منتظر حکم

دادگاه بود من امیدوارم و به گونهای
یقین دارم که وی از اتهام وارده تبرئه

خواهد شد .
وحدتی: آقای مصطفایی، سپاسگزارم

آرزوی موفقیت هر چه بیشتر برای شما
در راه نجات جان قربانیان خشونت

دارم.
مصطفایی: من هم از شما و دیگر

همکارانتان تشکر می کنم .

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

آدرس پستی نشریه

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+۴۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

ebmaster@fedayi.org

روابط عمومی

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org